

نص اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوگ

ولادت حضرت ابوالفضل العباس
قمرینی هاشم (ع) و روز جانباز مبارک



دولت شهید رئیسی رکورد تولید نفت پس از انقلاب را زد

نیز زده شد. این در حالی است که حتی پس از اجرای برجام و رفع تحریم‌ها هم تولید نفت و میعانات ایران به این رکورد دست نیافته بود. در دولت سیزدهم، با افزایش ۱.۴ میلیون بشکه‌ای تولید نفت نسبت به سال پایانی دولت حسن روحانی، ایران بار دیگر جایگاه سوم اوپک را به دست آورد. اما در دولت فعلی مجدداً به جایگاه چهارم اوپک سقوط کرده است.

گازی ایران به ۵ میلیون و ۶۲ هزار بشکه در روز رسید که بالاترین رقم در دوران پس از انقلاب محسوب می‌شود. در سال ۲۰۲۰ (معادل ۱۳۹۹) در دولت حسن روحانی تولید نفت و میعانات گازی ایران به طور متوسط به ۳ میلیون و ۲۲۱ هزار بشکه در روز سقوط کرده بود. اما در دولت شهید رئیسی سال به سال بر تولید نفت و میعانات افزوده شد تا اینکه در سال پایانی دولت سیزدهم رکورد تولید بیش از ۵ میلیون بشکه در روز

انتشار این گزارش‌های سالانه به موسسه انرژی انگلستان The Energy Institute واگذار شده است. طبق آماری که در گزارش این موسسه انگلیسی درباره روند تولید نفت (شامل نفت خام، نفت شیل، ماسه‌های نفتی، میعانات گازی که نیاز به پالایش بیشتر دارند، NGLها همچون مایعات گاز طبیعی، اتان، LPG و نفتا که از تولید گاز طبیعی به دست می‌آیند) منتشر شده، در سال ۲۰۲۴ به طور میانگین تولید نفت و میعانات

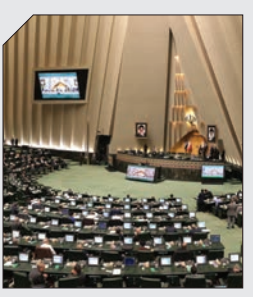
بر اساس گزارش سالانه موسسه انرژی انگلستان از شاخص‌های انرژی جهان، تولید نفت و میعانات گازی ایران در پایان دولت سیزدهم به بالاترین رقم پس از انقلاب رسید. از سال ۱۹۵۲ تا ۲۰۲۳، شرکت نفتی انگلستان (بی‌پی) به طور سالانه گزارش‌هایی با نام «مرور آماری انرژی جهان» (Statistical Review of World Energy) منتشر می‌کرد که داده‌های تاریخی در مورد بازارهای انرژی جهان ارائه می‌داد. از سال ۲۰۲۲

میثم مهدیار، جامعه‌شناس درگفت‌وگو با چارسوگ تشریح کرد: لیبرالیسم اقتصادی ریشه اعتراضات است



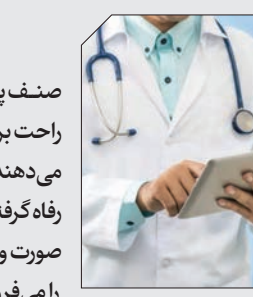
نمایندگان پیگیر مطالبات کارگران نیستند

کارگران نسبت به مطالباتی که داشتند اعتراض کردند اما چرا حتی یک نماینده مجلس هم به آن اشاره نکرد؟ آیا تویبیتی زدند که مثلاً کارگران در شرایط بدی هستند و به آنها توجه کنید؟ خیر، هیچ نماینده‌ای این کار را نکرد. پس ما از جهت نهادی در یک ناترازی نهادی و نمایندگی اقل مردم به سر می‌بریم.



تعارض منافع در جامعه پزشکی

صنف پزشکان را که مشاهده کنید می‌بینید که خیلی راحت برای خودشان قاعده‌گذاری می‌کنند و قواعد را تغییر می‌دهند. به طور مثال خیلی راحت بیمه سلامت را از وزارت رفاه گرفتند و به وزارت بهداشت دادند و یک تعارض منافع به صورت واضح و مبرهن را رقم زدند؛ یعنی خودشان خدمت را می‌فروشند و می‌خرند حتی ناظر هم خودشان هستند.



صنف طلا فروشان مالیات کمی می‌دهند

صنف طلا فروشان در همه این سال‌ها در مقابل آیین نامه‌هایی که برای مالیات‌گیری از صنف ابلاغ می‌شد، خیلی راحت مقاومت کردند از دهه ۸۰ تا به الان طلا فروشان کمترین میزان مالیات را پرداخت می‌کنند. این یک صنف و حزب سیاسی خیلی قوی است.



آموزش مجازی اشتباه است

در خیلی از کشورهای توسعه یافته اصلاً اجازه ندادند آموزش مجازی به این معنایی که ما الان درگیرش هستیم شکل بگیرد. شما کشور انگلیس را که ببینید، تعداد روزهایی که آنجا تعطیل و آموزش مجازی شد خیلی محدود بود اما در ایران اساساً آموزش و پرورش را تعطیل کردند و البته تبعات آن را در اعتراضات ۱۴۰۱ دیدیم.



با صادرکنندگان متخلف برخورد نمی‌شود

در سیاست ارز ترجیحی که پرداخت شد می‌گویند صادر کردند و ارز را نیاوردند. یک سری تراستی‌هایی هستند که خیلی راحت ارزششان را نمی‌آورند ولی مثلاً اگر قسط بنده یک ماه عقب بیفتد حساب‌های ضامن را می‌بندند پس چطور کسانی میلیاردها دلار می‌گیرند اما کسی پاسخگو نیست.



اتاق بازرگانی انترگادرتین حزب سیاسی است

یک حزب خیلی قوی به نام اتاق بازرگانی داریم که سیاست‌های دولت را هدایت و مدیریت می‌کند که در عمده شوراهای عالی در کشور نقش دارد در اتاق بازرگانی تأثیرگذارترین آدم‌ها واردکننده‌ها هستند آن‌ها تعیین کننده هستند پس این دوستان و اتاق بازرگانی یک حزب سیاسی هستند.



حمایت آذری جهرمی

اساساً ما خودمان هم ضد آموزش و پرورش هستیم تا کوچک‌ترین مسئله‌ای پیش می‌آید کلاس‌ها را تعطیل و مدارس را مجازی می‌کنند که این دقیقاً حماقت است. این حماقتی است که آقای آذری جهرمی و دوستانشان در دولت آقای روحانی شروع کردند به واسطه این که بتوانند یک رقیبی برای صداوسیما و رسانه‌های رسمی بسازند، با بالا آوردن شبکه‌های خصوصی پخش فیلم و غیره مصرف مجازی را به شکل عامده‌ای بالا ببرند تا بتوانند ایده سیاسی خودشان را پیش ببرند و آموزش و پرورش را نابود کردند



روحانی هم تک‌نرخ کردن ارز را قبول نداشت

سیاست تک‌نرخ کردن ارز ترجیحی همیشه شکست خورده است. آقای روحانی در دوره ریاست جمهوری خودش، با این که اقتصاددانان بازار آزاد دورش را گرفته بودند هم خیلی واضح در اواخر دولت گفتند: اقتصاددانان به ما گفتند اگر نرخ ارز را تک‌نرخ کنید و قیمت‌ها را بالا ببرید همه مشکلات حل می‌شود (البته اگر یادتان باشد با یک حالت تمسخرآمیز هم گفتند) حتی خود آقای نوبخت اعلام کردند سیاست تک‌نرخ کردن ارز یک سیاست بسیار بی‌عقلانه است، پس چرا این سیاست‌ها دوباره از نو شکل می‌گیرد؟

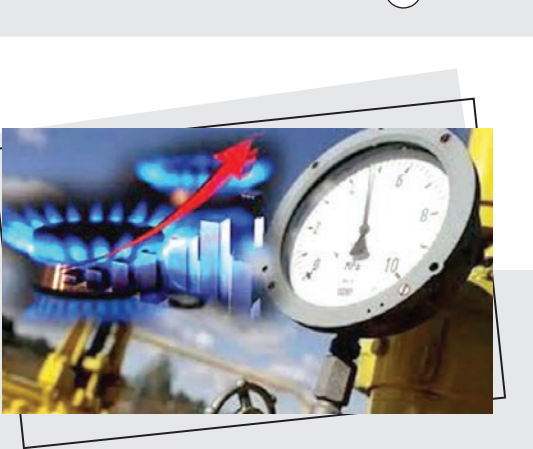


موفقیت احمدی نژاد در قانع سازی مردم

در حال حاضر سیاست‌هایی که دولت در پیش گرفته سیاست‌هایی است که به آن شوک‌درمانی می‌گویند که من شخصاً مخالف آن هستم ولی حتی اگر کسی می‌خواهد شوک‌درمانی هم انجام دهد باید زمینه آن را فراهم سازد. بالاخره دولت رأی آورده و همین مردم به آن رأی دادند و تصمیم گرفته که شوک‌درمانی کند منتها این را هم می‌تواند در قالب یک قواعد و یک زمینه‌سازی انجام دهد. مثلاً در دهه ۸۰ آقای احمدی نژاد یک نوع شوک‌درمانی را شروع کرد ولی حداقل رئیس دولت، یک سال همه دولت را بسیج کرد و همه زمینه‌ها را فراهم ساخت.



خبر



صنایع در تنگنای مصرف گاز هستند

مدیرعامل شرکت ملی گاز اعلام کرد: ۸۳ درصد از تولید گاز کشور در بخش های خانگی و تجاری مصرف می شود که این موضوع منجر به ایجاد محدودیت مصرف در بخش هایی از صنعت شده است.

بی نظیر بی بدیل وی وبی سابقه صفاتی است که سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز برای توصیف میزان مصرف گاز در اولین روز بهمن استفاده کرد.
مدیرعامل شرکت ملی گاز اعلام کرد: مصرف در بخش های خانگی و تجاری ۷۲۶ میلیون مترمکعب یعنی ۸۲ درصد از کل تولید گاز کشور رسیده است. وی افزود: این در حالی است که سال گذشته اوج مصرف گاز این حوزه، ۷۰۳ میلیون مترمکعب بوده است. توکلی از شرایط سخت تأمین سوخت برای بخش های تولیدی کشور با افزایش مصرف در بخش های خام‌سوز خانگی و تجاری اینگونه گفت: زمانی که مصرف گاز در بخش های خانگی و تجاری افزایش پیدا می کند سهم دیگر بخش ها از کیک مصرف گاز کم و در آن بخش ها از سوخت جایگزین استفاده می شود؛ برای مثال در فصل سرد در نیروگاه‌ها از سوخت مایع استفاده می شود و صنایع در برخی از بخش ها نیز دچار محدودیت مصرف می شوند. معاون وزیر نفت و با بیان اینکه در فصل سرد سال، به اندازهٔ گاز صرفه‌جویی شده در بخش های غیرمولد خانگی و تجاری و به بخش های تولیدی گازرسانی می شود، گفت: اگر در بخش های غیرمولد خانگی و تجاری، دما یک درجه کاهش یابد، ۲۵ میلیون مترمکعب یعنی معادل یک فاز عسویه در مصرف گاز صرفه جویی می شود. مدیرعامل شرکت ملی گاز در ادامه اعلام کرد: استان های تهران، خراسان رضوی، اصفهان و آذربایجان شرقی به ترتیب بیشترین مصرف گاز را در اول بهمن ثبت کردند و افزود: مرکز ۲۶ استان کشور در دمای صفری منفی است که به منظور تأمین پایدار گاز در همه بخش ها، اقداماتی مانند کاهش یک تا دو درجه دمای خانه که منجر به ۶ درصد کاهش مصرف گاز در همان خانه می شود، پوشاندن دریچه کولر و درزگیرها، رعایت درجه ۱۵- تا ۲۰- درجه در موتورخانه‌ها شوفاژها و رعایت درجه آسایش (بین ۱۸ تا ۲۱ درجه) در بهینه‌سازی مصرف گاز مؤثر است.

آیا CIPS راه خروج ایران از بن بست ارزی است؟

رستم ضیائی

پژوهشگر دیپلماسی اقتصادی

نظام پرداخت بین‌المللی، زیرساختی فنی با زیرساختیم بر کنترل جریان ارز، امکان نسوبه رسمی مبادلات خارجی و اعمال سیاست‌های پولی و ارزی است. محدودیت باقطع دسترسی به این زیرساخت، صرفاً به افزایش هزینه‌های بانکی و تجاری منجر نمی‌شود، بلکه توان دولت در مدیریت بازار از کاهش شوک‌های بیرونی و نظارت مؤثر بر تراکنش های فرامرزی را نیز به‌طور جدی تضعیف می‌کند. در مورد ایران، قطع دسترسی به شبکه سوئیفت در سال‌های اخیر، موجب شده است بخش قابل توجهی از پرداخت‌های خارجی کشور به کانال‌های غیررسمی و خارج از نظارت نهادی منتقل شود. این وضعیت به شکل گیری نظام مالی غیرشفاف انجامیده که در آن، تراستی‌ها واسطه‌های ارزی غیررسمی نقش تعیین‌کننده‌ای در انجام مبادلات خارجی ایفا می‌کنند. اگرچه این سازوکارها در کوتاه‌مدت امکان تداوم حداقلی تجارت خارجی را فراهم کرده‌اند، اما در میان‌مدت به یکی از عوامل اصلی تضعیف حاکمیت پولی و افزایش آسیب‌پذیری امنیت اقتصادی کشور تبدیل شده‌اند.

از ابزار اضطراری تارکس ساختاری

تراستی‌ها در شرایط تحریم، به بلوکه‌های اصلی انتقال ارز تبدیل شده‌اند. این بلوکه‌ها خارج از چارچوب‌های نظارتی رسمی فعالیت می‌کنند و لزوم مشخصی به شفافیت، گزارش دهی یا تبعیت از سیاست‌های پولی و ارزی ندارند. در عمل، بخش مهمی از جریان ارز کشور از دسترسی عمور می‌کند که امکان رصد، مداخله یا تنظیم آن برای نهادهای مسئول به‌شدت محدود است. ساختار قدرت در این شبکه‌ها به‌گونه‌ای شکل گرفته که تصمیمات تعداد محدودی از بازیگران می‌تواند بر زمان نسوبه، هزینه انتقال و حتی دسترسی به منابع ارزی اثر گذار باشد. این تمرکز ریسک، موجب شده است بازار ارز کشور نتهتا در برابر شوک‌های خارجی، بلکه در برابر رفرش‌های فرصت طلبانه داخلی نیز آسیب‌پذیر شود.

گروگان ارزی در شرایط بحران

نقطه بحرانی این ساختار، در شرایط ناآرامی سیاسی و امنیتی آشکار می‌شود. در اغتشاشات اخیر، شواهد نشان داد که بخشی از شبکه‌های ارزی غیررسمی، با کندسازی یا تعلیق نسوبه‌ها، شوک‌های به بازار ارز وارد کردند. این رفتارها به تشدید انتظارات تورمی، افزایش تقاضای احتیاطی و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به توان دولت در کنترل بازار ارز انجامید. در چنین شرایطی، ثبات ارز کشور عملاً به تصمیمات شبکه‌هایی گره می‌خورد که نه مسئولیتی در قبال امنیت اقتصادی دارند و نه تحت سازوکارهای پاسخ‌گویی قرار می‌گیرند. این وضعیت را می‌توان به‌دستی «گروگان‌گیری ارزی» نامید؛ وضعیتی که در آن، ابزارهای سیاست‌گذاری رسمی در برابر کنشگران غیررسمی عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند.

اتصال مجدد به CIPS: ضرورتی برای نظام بانکی ایران

در چنین شرایطی، سامانه پرداخت بین بانکی فرامرزی چین (CIPS) به‌عنوان یک ضرورت جهت کاهش وابستگی به دلار مطرح می‌شود. CIPS یک زیرساخت یکپارچه پیام‌رسانی و نسوبه‌است که امکان انجام تراکنش‌های برون‌مرزی را فراهم می‌کند. برخلاف سوئیفت که صرفاً تک‌طرف پیام‌رسان دارد، CIPS فرآیند نسوبه‌نهایی را نیز پوشش می‌دهد و امکان ثبت، گزارش دهی و نظارت ساختار یافته بر تراکنش‌ها را ایجاد می‌کند. اتصال مجدد ایران به CIPS که در دوان برجام متوقف شده بود می‌تواند بخشی از پرداخت‌های خارجی کشور را از کانال‌های غیرشفاف به مسیرهای رسمی و قابل کنترل منتقل کند، هزینه‌مبادله را کاهش داده و امکان اعمال سیاست‌های ارزی را تقویت نماید.
با این حال، این اتصال مستلزم آمادگی حقوقی، بانکی، فنی و دیپلماتیک مشخص است. با وجود مزیای آشکار، عدم اتصال ایران به CIPS نشان دهنده وجود موانعی فراتر از مسائل صرفاً فنی است. بخشی از این موانع به تعارض منابع بانکی مربوطد؛ شبکه‌هایی که از وضعیت غیرشفاف موجود، کارمزدهای بالا و انحصار دسترسی سودمی‌برند، انگیزه‌ای برای تغییر ندارند. در غیاب اجماع نهادی و اراده سیاسی، این منافع می‌توانند فرآیند اصلاح را به تعویق بیندازند.

گزینه‌ها پیش‌رو

در وضعیت کنونی، سه مسیر سیاستی قابل تصور است:
تداوم وضع موجود: ادامه اتکا به تراستی‌ها با افزایش تدریجی ریسک‌های اقتصادی و امنیتی.
اتصال مجدد و مرحله‌ای به CIPS: آغاز همکاری در حوزه‌های کم‌ریسک به‌منظور کاهش وابستگی به شبکه‌های غیررسمی.
طراحی مدل ترکیبی پرداخت: ترکیب CIPS، پیمان‌های پولی دو جانبه و اصلاح زیرساخت‌های داخلی برای افزایش تاب‌آوری نظام پرداخت کشور.

بخش اقتصاد رادردست بگیرید

Charsogh newspaper
 • شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۴
 • سال دوم
 • شماره ۳۸۲



میثم مهدیار، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد

لیبرالیسم اقتصادی ریشه اعتراضات است

رهاشدگی ریشه اصلی آشوب‌های اخیر است

منفعت طلبان اجازه شنیده شدن اعتراضات مسالمت‌آمیز را نمی‌دهند

کشوری که تهدید خارجی دارد نباید اقتصاد را در بست در اختیار لیبرالیسم قرار دهد

گفت و گو

میثم مهدیار پژوهشگر، جامعه‌شناس و استادیار گروه مطالعات

فرهنگی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در گفت‌وگو با چارسوق به تشریح ریشه‌های اعتراضات اخیر و عوامل به وجود آمده برای سوءاقتصاد دشمنان ایران و ایجاد اغتشاش اشاره کرد که مشروح آن در زیر می‌آید:

چه عواملی سبب شکل‌گیری ریشه‌های اعتراضات اخیر و بست‌سازی برای روند اغتشاش در هفته‌های اخیر بود؟

درواقع این ماجرا چند وجه دارد که به آن اشاره خواهم کرد. یکی لایه‌های بنیادی و مفهومی و یکی لایه‌های نهادی و یک سری لایه‌های کارکردی که به‌نظرم بیشتر در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. برای اینکه بتوانیم این لایه‌های مختلف را بفهمیم باید اول تصویری از وضعیتی که در آن قرار داریم، داشته باشیم.
مایک کشور با تجربه یک انقلاب سیاسی در ۵۰ سال گذشته هستیم. این انقلاب سیاسی یک نوع شکن در خلاف جهت جریان قانون غالب جهانی بوده‌است. آن چیزی که به آن می‌گوییم نظام سلطه یا سرمایه‌داری بین‌الملل جریان غالب جهانی است. به‌رحال شما باید بچنگید چون در عصر جدید دیگر نظام‌های سیاسی نمی‌توانند دور خودشان دیوار بکشند کشورهایی توانند فارغ از اتفاقاتی که در سطح کلان جهان می‌افتد، اتفاقاتی را رقم بزنند برای همین ما اگر در این تعامل نتوانیم یک موقعیت فعالی را انتخاب کنیم یویی بگیریم بعد از انقلاب، جنگ تحمیلی یا تروژهایی که اتفاق می‌افتاد نشان داد که ما چقدر تحت این همه منطقه‌ای بین‌المللی هستیم.
اما نتایج به شکل فعالی ظاهر شدیم ولی در حوزه‌های اقتصادی که این همه به‌خصوص از اواخر دهه ۸۰ شکل خیلی جدی‌تری به خود گرفت ما نتوانستیم یک مواجهه فعالی را در پیش بگیریم.
ما از یک سمت می‌خواهیم که خیلی با قواعد نظام سرمایه‌داری جهانی کار نکنیم (مثلاً در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اولی از آن سمت در حوزه‌های اقتصادی می‌خواهیم این تعامل را داشته باشیم. نمی‌شود در حوزه سیاسی ادعای استقلال کنیم یا در حوزه‌های نظامی ادعای استقلال سیاسی و امنیتی داشته باشیم ولی در حوزه اقتصادی، لیبرالیسم جهانی را دنبال کنیم.

این تناقض‌ها اشکال می‌داند؟

البته این تناقض‌ها اشکال نیست، این تصمیمی است که ۵۰ سال پیش با انقلاب اسلامی گرفته‌ایم. اگر تصمیم نمی‌گرفتیم مشخص نبود دچار این تناقضات نمی‌شدیم.
مایک اینکه خیلی از کشورهایی که چنین تصمیماتی را نگرفته‌اند، دچار چنین تناقضاتی حتی شدیدتر از ما هم بودند و هستند. اتفاقاتی که در این چند روز اتفاق افتاد. حالا اسمش را آشوب، اغتشاش و یا اعتراض هر چیزی بگذاریم در واقع محل تقاطع این لایه‌های مختلف و ویا برهم کنش این لایه‌های مختلف است.

در حوزه اقتصادی، دولت فعلی چه رویکردی دارد؟

در حال حاضر سیاست‌هایی که دولت در پیش گرفته سیاست‌هایی است که به آن شوک‌درمانی می‌گویند که من شخصاً مخالف آن هستم ولی حتی اگر کسی می‌خواهد شوک‌درمانی هم انجام دهد باید زمینه‌ان را فراهم سازد.
بالاخره دولت‌های آزاده و سهم‌مشکلات داخلی و کارکردی در تصمیم گرفته‌که شوک‌درمانی کنند منتها این راهم می‌تواند در قالب یک قواعد و یک زمینه‌سازی انجام دهد. مثلاً در دهه ۸۰ آقای احمدی‌نژاد یک نوع شوک‌درمانی را شروع کرد ولی حداقل رئیس دولت، یک سال همه دولت را وسیع کرد و همه زمینه‌ها را فراهم ساخت مثلاً اول یارانه‌های سوخت به حساب‌های مردم وزیر شد بعد بنزیر بنزیر یاهر حامل انرژی افزایش پیدا کرد. شما اگر می‌خواهید شوک‌درمانی کنید باید اول شرایط و تمهیدات لازم را فراهم نمایید. دولت در شرایطی دست به شوک‌درمانی زده است که اساساً مایک بحران ارزی داریم در همین چندماه گذشته بعد از جنگ ۱۲ روزه به واسطه فعالیت‌هایی که آمریکا با رژیم صهیونیستی با همکاری بعضی از دولت‌های منطقه‌ای انجام دادند ما بحران ارزی و بحران واردات کالاها اساسی داریم و آن‌را سهم مشکلات داخلی و کارکردی در تأمین مایحتاج اصلی داریم. در دولت اساساً هیچ هماهنگی میان بانک مرکزی، وزارتخانه صمت، جهادکشاورزی و دستگاه‌های دیگر اجرایی‌ها مانند وزارت اقتصاد وجود ندارد. دولت تصمیمات متناقض و لحظه‌ای زیادی در این دوماه گذشته گرفته‌است در چنین شرایطی اتخاذ سیاست شوک‌درمانی درست نیست.

علت‌ان ناهماهنگی‌ها چیست؟

مایک بحرانی در مفهوم دولت داریم. به‌نظرم هنوز نمی‌دانیم دولت یعنی چه مثلاً در دهر اخیر طبق گزاره‌های گفته‌می‌شود دولت در ایران بزرگ

که وزیر یا معاون وزیر بود در رشته‌های چشم‌پزشکی یا جراح قلب بوده،

ضراب‌بند آنها افزایش پیدا می‌کرد یعنی منابع دوباره به سوی آنها می‌شد که در این رأس بودند می‌رفت، چرا؟! چون شخص متخصص چشم یا قلب بوده است. پس در جهت نهادهای مادچار یک بحران نمایندگی هستیم به این شکلی که در واقع منابع به‌صورت ناعادلانه‌ای در حال توزیع شدن هست.

البته طرخی که دولت فعلی اجرا کرده در حوزه ارزی است.

بله در سیاست‌ارز ترجیحی که پرداخت شد میگویند صادر کردند و ارز را نابودند. یک سری تراستی‌هایی هستند که خیلی راحت از نشان را نمی‌آوردن ولی مثلاً اگر قسط بنده یک ماه عقب بیفتند حساب‌های ضامن را می‌بندند پس چطور کسانی میلیاردها دلار می‌گیرند اما کسی پاسخگو نیست. این افراد بعد از شرایط بدی هستند و به آنها توجه کنید، هر چه ارز خود را در بازار می‌فروشند و ریالی نسوبه‌می‌کنند این یعنی چه؟ یعنی جاهایی هست که افرادی قدرت دارند و منابع را به سمت و سوی خودشان می‌کشند بعد برای اینکه جلوی آن اتفاقات گرفته‌شود، فشارش به‌روی مردم می‌افتد. سیاست تک‌نرخی کردن ارز ترجیحی همیشه شکست خورده است. آقای روحانی در دوره ریاست جمهوری خودش، با این‌که اقتصاددانان بازار آزاد دوش را گرفته بودند هم خیلی واضح در اواخر دولت گفتند: اقتصاددانان به ما گفتند اگر نرخ ارز را تک‌نرخی کنید و قیمت‌ها را بالا برید همه مشکلات حل می‌شود (البته اگر ایدانان باشد یا یک حالت تمسخرآمیز هم گفتند) حتی خود آقای نوبخت اعلام کردند سیاست تک‌نرخی کردن ارز یک سیاست بسیاری عقلاً نه است؛ پس چرا این سیاست‌ها دوباره از نو شکل می‌گیرد؟ منافع گروه‌های خاصی که از قضا حزب سیاسی تابلودار می‌نیستند ولی متشکل هستند، به‌راحتی تأمین می‌شود اما مردم عادی که چنین نهادهای نمایندگی‌ای ندارند ناکام می‌مانند. کارگران نسبت به مطالباتی که داشتند اعتراض کردند اما چرا حتی یک نماینده مجلس هم به آن اشاره نکرد؟ آیا توییتری زنج اتفاق بازرگانی یک جلسه‌می‌گذارد و بعد از انتخابات در جلسات مختلف با آنها گفت‌وگو می‌کند تا کابینه تشکیل شود. در ایران که یک کشور خام فروش و تک‌محصول است و اتاق بازرگانی هم عطف به این خام‌فروشی و تک‌محصولی و واردات شکل گرفته است یعنی در اتاق بازرگانی تاثیر گذارترین آدم‌ها واردکننده‌ها هستند آن‌ها تعیین‌کننده هستند پس این دوستان و اتاق بازرگانی یک حزب سیاسی هستند اما اعتبار سیاسی بسیار زیاد داریم. شما ببینید در روزهای اول اعتراضات صنف پلاکارفروش با دولت جلسه گذاشت و سریع‌آیک سری امتیازاتی گرفت که مالیات بر ارزش افزوده ندهند مثلاً بازاری‌ها همان روزهای اول یک سری خواسته‌ها را به دولت اعلام کردند و ما دیدیم که هسته اصلی اعتراضات از مرکز بازار نیست و در حاشیه بازار شروع شد و بعد از بازار به جاهای دیگر رفت. مثلاً صنف پلاکاروشان در همه این سال‌ها در مقابل این‌ها ناهمه‌هایی که برای مالیات‌گیری از صنف ابلاغ می‌شد، خیلی راحت مقاومت کردند از دهه ۸۰ تا به الان پلاکاروشان کمترین میزان مالیات را پرداخت می‌کنند. این یک صنف و حزب سیاسی خیلی قوی است، همین چند ماه پیش کارگران به‌سویوه اعتراضات مصلحت‌آمیزی را رقم زدند و به‌روبروی قراردادی عرضه‌ی خود شدند و مطالبات خیلی مشخص داشتند اما عملاً اتفاق خاصی نیفتاد چرا؟ چون قدرت ندارند. پس اینطور نیست که مانهادهای نمایندگی اصناف و افشار نداشته باشیم بلکه یک نانوازی در این نهادهای نمایندگی داریم. مثلاً صنف پرزندگان را که مشاهده کنید به‌بینه که خیلی راحت برای خودشان قاعده‌گذاری می‌کنند و قواعد را تغییر می‌دهند. به‌طور مثال خیلی راحت بیمه سلامت‌ها را از وزارت رفاه تغییر دادند و بهداشت دادند و یک تعارض منافع به‌صورت واضح و مبرهن را رقم زدند؛ نقد کردیم همه این عوامل در تقاطع پایک ماجرای دیگری چنین صحنه‌های خشنی را رقم می‌زنند. اگر بخواهم با یک مفهوم صورت‌بندی کنم این است که نسل Z یا آلفا یا هر چیزی که اسمش را می‌گذاریم اساساً جامعه‌پذیر نشده‌به‌خصوص از بعد کرونا این موضوع تشدید شد. در زمان کرونا با توجه به اتفاقاتی که رقم خورد مدارس تعطیل شدند بعد به‌واسطه مجازی شدن آموزش‌ها رنوجوانی و حتی هرکودکی یک گوشی موبایل دستش افتاد و باید با اینترنت برای آموزش کار می‌کردند. آن‌ها وارد دنیایی شدند که تا قبل از خیلی برایشان فراهم نبود. خیلی از خانواده‌ها مجبور بودند برای فرزندانشان گوشی تهیه کنند تا بچه‌ها بتوانند سرکلاس درس حاضر شوند، خود این موضوع یک سیاست احقاقانه‌ای بود که وزارت وقت رقم زدند و آموزش را مجازی کردند.

برگردیم به علت اعتراضات اخیر.

به‌نظرم در مورد اتفاقاتی که در این چند روز اخیر صورت گرفت عمده کسانی که در صحنه اعتراضات حضور داشتند رقابت‌جویانه به‌واسطه اقتصادی که وجود دارد باید افراد بالای ۲۰ سال باشند، مثلاً کسی که چند فرزند دارد و خرج زندگی را می‌دهد و یا خرج‌های می‌دهد باید در صنف جلوی اعتراضات باشند اما اتفاقی که افتاد این است که نوجوانان و سنین متوسطی که از دست دادیم طبق آماری که گزارش شده است حدود ۲۰ سال است کویا در واقع آنها می‌که سنین بالاتر هستند و بیشتر درگیر اقتصاد هستند با این شرایط کار می‌آیند یا حداقل اعتراض‌شان خیلی به‌صوت کشیده نمی‌شود، تراحت و معترض هستند اما آنقدر شدید نیست که اتفاقاتی که این چند روز افتاد را رقم بزنند. برخلاف افراد با سنین بالاتر، نوجوانانی که خیلی از آنها ته‌اهل کار و نوله درس هستند که اصطلاحاً در علوم اجتماعی به آنها «نیت‌ها» Net) نوجوانان و جوانان (بیکار) میگویند در وسط عصر که هستند و اینها نشان‌دهنده این است که صحنه‌ای در حال رخ دادن است علاوه بر عوامل اقتصادی،

ارز ترجیحی و شوک‌درمانی غلطی که بنده نقد کردیم همه این عوامل در تقاطع پایک ماجرای دیگری چنین صحنه‌های خشنی را رقم می‌زنند. اگر بخواهم با یک مفهوم صورت‌بندی کنم این است که نسل Z یا آلفا یا هر چیزی که اسمش را می‌گذاریم اساساً جامعه‌پذیر نشده‌به‌خصوص از بعد کرونا این موضوع تشدید شد. در زمان کرونا با توجه به اتفاقاتی که رقم خورد مدارس تعطیل شدند بعد به‌واسطه مجازی شدن آموزش‌ها رنوجوانی و حتی هرکودکی یک گوشی موبایل دستش افتاد و باید با اینترنت برای آموزش کار می‌کردند. آن‌ها وارد دنیایی شدند که تا قبل از خیلی برایشان فراهم نبود. خیلی از خانواده‌ها مجبور بودند برای فرزندانشان گوشی تهیه کنند تا بچه‌ها بتوانند سرکلاس درس حاضر شوند، خود این موضوع یک سیاست احقاقانه‌ای بود که وزرات وقت رقم زدند و آموزش را مجازی کردند.

پس شمارایشه مشکل را در آموزش و پرورش هم می‌بینید؟

در خیلی از کشورهای توسعه‌یافته اصلاً اجازه ندارند آموزش مجازی به این معنایی که ما الان درگیرش هستیم شکل بگیرد. شما کشور انگلیس را که ببینید، تعداد روزهایی که آنجا تعطیل و آموزش مجازی شد خیلی به محدود بود اما در ایران اساساً آموزش و پرورش را تعطیل کردند و همه نوجوانان هم یک گوشی دادند و البته تبعات آن را در اعتراضات ۱۴۰۱ دیدیم. عمده اتفاقات و نوع کنش‌گری و نوع اعتراضی که در سال ۲۰۱ بود بیشتر از اینکه یک اعتراض فرهنگی باشد، یک اعتراض اجتماعی بود و حتی شکل بیانی آن اعتراضات نشان‌دهنده این بود که اعتراضات عمق خیلی زیادی نداشته و اینجوری نبوده‌ان افراد یک ایده سیاسی یا یک ایده فرهنگی را دنبال کنند بیشتر یک نوع برزین روی در واقع یک نوع واکنش هنجایی بود و کالایک عده‌ای از جامعه‌شناسان و سوسیالون، اصحاب فکر و اندیشه و همچنین رسانه‌ها به آن مشروعیت می‌دادند و تأیید می‌کردند در صورتی که نوع شعارهایی که مثلاً در دانشگاه شریف می‌دادند واقعاً نوسنجستی یا دانشگاه داشت یا مثلاً چه نسبتی یا جنبش دانشجویی داشت؟ اساساً این فارغ از ساختاری هست که می‌تواند منجر به یک تغییر جدی شود بیشتر نوعی جنبش توده‌وار است. این جنبشی است که خیلی موضوعاتی که وجود دارد به‌صورت خوداگاه به فضایی که در آن قرار دارند و مطالبات و اهدافی که دنبال می‌کنند، نیستند. این سیاست‌ها به‌نوعی گسست نسلی را تسریع کرد که اساساً به هیچ چیز تقریباً معتقد نیست. این طور نیستند که بگویند ما قافلن دولت را می‌خواهیم یا مثلاً نوجوانان بی‌هولی گرا هستند، خیر. مسئله این است که یک سری شعارهایی سر می‌دهند ولی این شعارها عمق خاصی ندارند چرا؟ چون مثلاً به‌هولی‌ها توانا هستند در فضای مجازی تبلیغاتی انجام دهند و قانتری‌ها و نوستالژی‌هایی بسازند، برخی جوانان به آن سمت رفتند ولی اینطور نیست که آن سامانه سیاسی هم بتواند سوار بر این نسل شود. اصلاً این نسل، نسلی نیست که بتوان روی آن باتوجه به این مسیری که دارند طی می‌کنند، حساب کرد چون چیزی نمی‌توان برروی این نسل از جمله هدفی، آرمانی، سامانه‌ای و نهادهی سوار شد و این بسیار خطرناک است. از لحاظ جامعه‌پذیری نهادهی که باید هدف را دنبال می‌کرد، اما شما ببینید آموزش و پرورش از دهه ۷۰ به این سمت بی‌کارکرد شده است. مسئولین، دغدغه‌مندان و بزگان فرزندان خودشان را به مدارس غیرانتفاعی بردند و آموزش و پرورش را با چندین میلیون دانش‌آموز و معلم‌ها کردند و برایشان اهمیتی ندارد و اصلاً مطلع نیستند که در آنجاچه اتفاقاتی رقم می‌خورد چرا؟ چون مسئولین همه بچه‌هایشان در مدارس خصوصی هستند. تعداد محدودی مدارس خصوصی داریم که یک سری فعالیت‌های فوق برنامه و کلاس‌های کنکور دارند اما در مدارس دولتی و آموزش و پرورش چندین میلیون دانش‌آموز‌ها شدند. در جایی که باید این جامعه‌پذیری انجام شود آموزش و پرورش است که در این امر بسیار کوتاهی کردند و می‌کنند اساساً ما خودمان هم ضد آموزش و پرورش هستیم تا کوچک‌ترین مسائلی کلان باید میاید کلاس‌ها را تعطیل و مدارس را مجازی می‌کنند که این دقیقاً حقیقت است. این حقاقتی است که مدارس آتری جهری و دوستانشان در دولت آقای روحانی شروع کردند و به‌واسطه این که بتوانند یک رقیبی برای صداسوسیما و رسانه‌های رسمی بسازند، بالاآوردن شبکه‌های خصوصی پخش فیلم و غیره مصرف مجازی را به‌شکل عامده‌انای بالا بزنند تا بتوانند ایده‌سیاسی خودشان را پیش بزنند و آموزش و پرورش را نابود کردند و دولت‌های بعدی هم همین حماقت را دارند اما همه می‌دهند و همین عواملی که خدمتتان عرض کردم باعث شد تا این معضلات به این شکل رقم بخورد.

دشمنان و عوامل رژیم صهیونیستی و آمریکا چه نقشی در آشوب‌های اخیرفاکتا کردند و برهانه آن‌ها برای ایران چه بود؟

برای همه واضح است که کار آمریکا رژیم صهیونیستی دشمنی است خیلی راحت به‌صورت فکری در کشور رزور در حال تهدید کردن ایران هستند و بدترین تحریم‌ها را علیه‌ها انجام داده‌اند مگر کسی هست که نداند؟ حالا ما می‌خواهیم چه کار کنیم؟
هاتر اتفاق کوچکی حتی افتادن یک برگ در کشور تا سیاست‌های کلان باید عطف به آن فشار خارجی و دشمنی باشد اما مسئله این است که اگر بخواهیم به چنین بصیرتی برسیم باید بدانیم این اتفاق‌ها چقدر سهم خود ماست. ما دچار یک ملی‌گرایی روش‌شناختی هستیم. دشمنی‌ها را تک‌م می‌گذاریم و بدون آنها تصمیم‌می‌گیریم اگر آن دشمنی‌ها وارد داریا خارجی را در نظر بگیریم اتفاقاً خیلی بهتر و بیشتر باید دولت‌ای کنیم نه اینکه به‌طور کامل کشور را رها کنیم و به اینکه بگوییم دولت بزرگ است و باید کوچک شود و فرهنگ را رها سازای کنیم. این وضعیتی که مادر حال حاضر در آن قرار داریم محصول رها سازای است هیچ چیز سرچای خودش نیست. خیلی راحت در این کشور هرگزای که دلت بخواهد می‌توانی انجام دهی. من مثالی برای شما از آمریکا بزنم که یک کشور شهوند عادی به ایست پلیس گوش نداد در جایک کوله‌به‌خامی‌زند و مغزایشان را مثل سنی کردند. اینجا خیلی راحت کشف حجاب می‌کنند و روی ماشین پلیس می‌رقصد و حتی پلیس را می‌زنند، خیلی راحت صلاح خرید و فروش می‌کنند و آموزش می‌دهند بنابراین اینگونه خشوند در کشور پذیرداری می‌شود.

چرا دستگاه سیاست‌گذار محلی برای اعتراض و مطالبات افشار ضعیف جامعه تشکیل نمی‌دهند تا اعتراضات تبدیل به اغتشاش و آشوب شوند؟

از کسانیکسانی نمی‌خوانند این امر در ایران صورت گیرد که خودشان متشکل هستند و منابعی را به سمت خودشان می‌کشاند. چه کسانی دوست‌نند از مردم عادی کارگران و افراد فرودست متشکل بشوند؟ کسانی که می‌دانند اگر طبقات فرودست متشکل شوند و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها نقش جدی پیدا کنند، ما معضشان به‌خطری‌افتد یعنی به‌نظرم مسئله پیش از اینکه سیاسی باشند آن تعارض منافع است که آن‌ها شکل هارقم می‌زنند. چرا در این چند سال اجازه ندادند محلی که برای اعتراض تعیین‌شود آیا مسئله فقط سیاسی است؟ خیر صرفاً سیاسی نیست. کسانی که بیشترین تاثیرات را در همه حوزه‌ها می‌گذارند اما کمترین تجلی را دارند کسانیک خودشان متشکل هستند و رخ دادن است علاوه بر عوامل اقتصادی، ارز ترجیحی و شوک‌درمانی غلطی که بنده نقد کردیم همه این عوامل در تقاطع پایک ماجرای دیگری چنین صحنه‌های خشنی را رقم می‌زنند. اگر بخواهم با یک مفهوم صورت‌بندی کنم این است که نسل Z یا آلفا یا هر چیزی که اسمش را می‌گذاریم اساساً جامعه‌پذیر نشده‌به‌خصوص از بعد کرونا این موضوع تشدید شد. در زمان کرونا با توجه به اتفاقاتی که رقم خورد مدارس تعطیل شدند بعد به‌واسطه مجازی شدن آموزش‌ها رنوجوانی و حتی هرکودکی یک گوشی موبایل دستش افتاد و باید با اینترنت برای آموزش کار می‌کردند. آن‌ها وارد دنیایی شدند که تا قبل از خیلی برایشان فراهم نبود. خیلی از خانواده‌ها مجبور بودند برای فرزندانشان گوشی تهیه کنند تا بچه‌ها بتوانند سرکلاس درس حاضر شوند، خود این موضوع یک سیاست احقاقانه‌ای بود که وزرات وقت رقم زدند و آموزش را مجازی کردند.

یک حزب خیلی قوی به نام اتاق بازرگانی داریم

که سیاست‌های دولت

را هدایت و مدیریت می‌کند که در عمده

شوراهای عالی در کشور

نقش دارد در اتاق بازرگانی

تاثیرگذارترین آدم‌ها

واردکننده‌ها هستند

آن‌ها تعیین‌کننده

هستند پس این دوستان

و اتاق بازرگانی یک حزب

سیاسی هستند

”



به گفته کنگری، روغن خوراکی بسیار محدود و با کالای تحمیلی که همان روغن ذرت است، در اختیار اصناف قرار می گیرد.

ضرورت توزیع روغن با قیمت کمتر از مصرف کننده به بنکداری ها
رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران با اشاره به چالش سوم در مورد توزیع روغن، گفت: روغن خاوانر در حال حاضر با قیمت مصرف کننده که روی محصول درج شده است در میان اصناف توزیع می شود. این کار غیرمنطقی است و نیاز به پیگیری دارد. زیرا قیمت این محصول باید حداقل ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر قیمت مصرف کننده به بنکداران عرضه شود تا حاشیه سود شبکه توزیع و توزیع کنندگان در محصول دیده شود. کنگری افزود: کلیه روغن اعم از پخت وپز و سرخ کردنی مدتی کوتاه در بازار نبود و کمیاب بود. به همین دلیل، حجم سفارش در حال حاضر بسیار بالاست و در بخش توزیع، پاسخگوی این حجم از تقاضا نیست.

تقاضای روغن بیشتر از عرضه است

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران با اشاره به چالش محدودیت عرضه روغن در بازار، گفت: در کنار محدودیت عرضه روغن، حجم سفارش این محصول بسیار بالاست و تقاضا نسبت به عرضه بسیار بیشتر است و دومورد دیده نشدن حاشیه سود و عرضه کالاهای تحمیلی با روغن، چالش ایجاد کرده است.

کنگری با بیان اینکه یکسری شرکت های تولید کننده، روغن را به قیمت مصرف کننده به بنکداران می فروشند، گفت: باید پیگیری شود تا شرکت ها حاشیه سود را رعایت کنند، زیرا روغن باید حداقل ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر قیمت مصرف کننده به بنکدار فروخته شود تا شبکه توزیع سود خود را لحاظ کند.

هجوم اصناف به فروشگاه های زنجیره ای برای خرید روغن

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران گفت: در کنار روغن به بنکداری ها، روغن ذرت به صورت تحمیلی می فروشند که مشتری زیادی ندارد؛ ولی به صورت محدود به بنکداران عرضه می شود.

کنگری در پاسخ به این سؤال که «چرا هنوز روغن در برخی فروشگاه ها هم دانه ای به مردم فروخته می شود؟» گفت: فکر نمی کنم که محدودیتی در عرضه باشد و اگر هم محدودیتی بوده به دلیل این بوده که اصناف هجوم آورده اند و از فروشگاه روغن خریداری کرده اند. روغن مانند برنج جزو کالاهایی است که باید در شبکه توزیع اصناف عرضه شود.

وی خاطرنشان کرد: برنج هندی تنظیم بازار تقریباً دو ماهی است که توسط بنکداری ها به صورت گسترده عرضه می شود و به دلیل عرضه بیش از نیاز بازار، قیمت آن از ۱۸۵ هزار تومان به ۱۴۵ هزار تومان رسیده و قیمت آن ثابت پیدا کرده است.

باتوجه به اینکه حجم

سفارش روغن بسیار

بالاست، شرکت های

توزیع کننده به نوعی روغن

خوراکی را در بازار توزیع

می کنند که این محصول به

دست تمام واحدها برسد



توزیع قطره چکانی روغن در بازار پس از ۳ برابر شدن قیمت ها

گزارش

در بازار آغاز شود؛ اما مشاهدات میدانی نشان می دهد هنوز در برخی فروشگاه های زنجیره ای و مغازه ها روغن به صورت دانه ای عرضه می شود.

به نوعی روغن خوراکی را در بازار توزیع می کنند که این محصول به دست تمام واحدها برسد.

فروش اجباری روغن ذرت در کنار

روغن خوراکی به اصناف

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران با اشاره به اولویت توزیع روغن در بسازار، گفت: «چرا هنوز روغن به برخی واحدهای بنکداری و فروشگاه های زنجیره ای نرسیده است؟» گفت: با تغییر از روغن خوراکی، این محصول در بازار کم شد؛ اما بار جدید روغن در بازار به صورت محدود در حال عرضه است. وی با بیان اینکه کارخانه های تولید کننده، روغن را به صورت محدود به بازار عرضه می کنند، ادامه داد: با توجه به اینکه حجم سفارش روغن بسیار بالاست، شرکت های توزیع کننده

روغن توزیع شده پاسخگوی نیاز بازار نیست

در همین زمینه، رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران در گفت وگو با ایلنا در پاسخ به این سؤال که «چرا هنوز روغن به برخی واحدهای بنکداری و فروشگاه های زنجیره ای نرسیده است؟» گفت: با تغییر از روغن خوراکی، این محصول در بازار کم شد؛ اما بار جدید روغن در بازار به صورت محدود در حال عرضه است.

وی با بیان اینکه کارخانه های تولید کننده، روغن را به صورت محدود به بازار عرضه می کنند، ادامه داد: با توجه به اینکه حجم سفارش روغن بسیار بالاست، شرکت های توزیع کننده



ایجاد دسترسی به اینترنت آزاد برای بازرگانان صحت ندارد

رئیس کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران نسبت به خبر اعلام شده مبنی بر «ایجاد دسترسی به اینترنت آزاد برای بازرگانان» واکنش نشان داد.

علی مسعودی، رئیس کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران گفت: ایجاد دسترسی به اینترنت آزاد برای بازرگانان و تجار تا این لحظه به هیچ وجه صحت ندارد.

عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تأکید کرد: اگر مرکز ملی فضای مجازی مسئولیت وصل اینترنت را بر عهده دارد، درخواست ما این است که دسترسی به اینترنت آزاد برای همه شهروندان فراهم شود. او افزود: در جلساتی که با مسئولان مربوطه برگزار شده، قول داده شده است تا پایان هفته محدودیت ها برداشته شود. مسعودی تصریح کرد: اینترنت صفی و نوتی برای اقشار جامعه از جمله بازرگانان مناسب نیست و اگر مسئولیت این موضوع با مرکز ملی فضای مجازی است، درخواستمان وصل شدن اینترنت پرسرعت پایدار برای تمامی مردم و اقشار جامعه است.



خوب و بد تها ترنفت در بودجه

در لایحه بودجه ۱۴۰۵ دولت ترجیح داده است بخش عمده ای از هزینه های سنگین خود در حوزه های زیربنایی را نه از مسری بودجه نقدی، بلکه از طریق تهاژ مستقیم نفت مدیریت کند. بودجه ۱۴۰۵ با این سازوکار، عملاً درآمد نفتی را پیشاپیش، بدون آنکه این درآمد به شکل نقد به خزانه وارد شود، برای هزینه های معین مصرف کرده است که این می تواند به سازوکاری برای تشدید کسری واقعی بودجه تبدیل شود.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ با معرفی جدولی رسمی با عنوان «منابع و مصارف جمعی خرجی» گامی تازه در شفاف سازی عملیات مالی پیچیده دولت برداشته است. این سازوکار که مبتنی بر ثبت های حسابداری بدون جریان واقعی نقدی است، عملاً بخش عظیمی از مبادلات مالی دولت را مدیریت می کند.

برآوردها نشان می دهد حجم این عملیات، به ویژه در حوزه نفت، آتچنان گسترده است که درک تحرکات واقعی بودجه توجیه با این جدول، ناقص و گمراه کننده می سازد. مفهوم جمعی خرجی در بودجه ۱۴۰۵ در سه قالب اصلی تعریف شده است. اعتبارات درآمد-هزینه ای که در آن درآمد معینی صرف هزینه مشخصی، مانند اختصاص یک درصد مالیات بر ارزش افزوده به بیمه سلامت می شود. اعتبارات جمعی خرجی محض که در آن درآمد و هزینه رخ می دهد اما هیچ گردش ریالی صورت نمی گیرد. بخشودگی مالیاتی برای دستگاه های دولتی نمونه بارز این نوع است؛ جایی که دولت هم پرداخت کننده است و هم دریافت کننده و تنها یک ثبت دفتری انجام می شود.

اعتبارات تهاژتی که در آن دولت بدهی خود به بخش غیردولتی یا خرید کالا و خدمات رانه با پول، بلکه از طریق واگذاری دارایی (مثل نفت) تسویه می کند. این مکانیسم، به دولت امکان می دهد تعهدات خود را بدون فشار بر نقدیگی موجود و با استفاده از دارایی های غیرنقدی (عمد تأنفت) انجام دهد.

نگاهی به ارقام، و ابستگی شدید این سازوکار به درآمد های ناشی از صادرات یا فروش نفت را نشان می دهد. از کل ۱۱۴ هزار میلیارد تومان (همت) منابع جمعی خرجی حوزه نفت، سهم نفت خام و میعانات گازی به تنهایی ۷۵۴ هزار میلیارد تومان است.

این رقم کلان، صرف مصارف راهبردی می شود که عمده ترین آنها مواردی مانند تقویت بنیه دفاعی ۳۴ هزار میلیارد تومان (بیشترین سهم)، اجرای طرح های حمل و نقل (راه و شهروسازی) ۱۸۶ هزار میلیارد تومان، تهاژت را با پتروشیمی ها ۲۰۳ هزار میلیارد تومان، طرح های انرژی اتمی ۱۵ هزار میلیارد تومان، تأمین فرآورده نفتی و سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی ۶ هزار میلیارد تومان است. این توزیع نشان می دهد دولت ترجیح داده تا بخش عمده ای از هزینه های حساس و سنگین خود در حوزه های زیربنایی را نه از مسری بودجه نقدی، بلکه از طریق تهاژت مستقیم نفت مدیریت کند. برخی کارشناسان برای این سازوکار نقش دوگانه ای قائلند و افزایش شفافیت و قابلیت ردیابی را نقطه قوت آن می دانند. بهروز خسروی در این خصوص در گفت وگو با خبرنگار اقتصاد معاصر می گوید: «قبلاً بسیاری از این تهاژتها به صورت فرا بودجه ای انجام می شد. در حال حاضر با آوردن آن به متن بودجه و جدول بندی، حداقل می دانیم حجم و جهت این مبادلات غیرنقدی چقدر است و می توان آن را رصد کرد.» با این وجود باید تأکید کرد این سازوکارها، خطر افزایش پیچیدگی و کاهش کارایی را جدی ترمی کند.

مهم ترین دغدغه کارشناسان، نظارت مؤثر بر حسن اجرای این مصارف است. به عنوان مثال این سؤال مطرح می شود که آیا وزارت اقتصاد می تواند بر تحویل دقیق نفت، زمان بندی آن و تطابق هزینه ها و قابلیت ردیابی را نقطه قوت آن می دانند. نکته نگران کننده دیگر، تداوم وابستگی بودجه به نفت آن هم در قالبی غیرنقدی و غیرشفاف تر است. بودجه ۱۴۰۵ با این سازوکار، عملاً درآمد نفتی را پیشاپیش، بدون آنکه این درآمد به شکل نقد به خزانه وارد شود، برای هزینه های معین مصرف کرده است؛ این موضوع، انعطاف پذیری مالی دولت را کاهش داده و آن را در برابر شوک های قیمت نفت آسیب پذیرتر می کند. به عبارت ساده، دولت نه فقط از درآمد نفت محروم می ماند، بلکه متعهد به تحویل فیزیکی آن نیز می شود. سازوکار اعتبارات جمعی خرجی در بودجه ۱۴۰۵، مانند یک تیغ دولبه است. از یک سو، ابزاری ضروری برای مدیریت مالی در شرایط تحریم و کمبود نقدیگی است که می تواند پروژه های حیاتی را با کمترین فشار بر پول بزرز پیش ببرد. از سوی دیگر، اگر بر اجرای آن نظارت دقیق و مستمری اعمال نشود و ارزش گذاری ها شفاف نباشد، می تواند به سازوکاری برای تشدید کسری واقعی بودجه تبدیل شود. موفقیت این تجربه، منوط به ایجاد سامانه ای یکپارچه و رصد تخصصی اعتبارات است.

پس از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی توسط دولت پرنشکیان، قیمت روغن خوراکی ۳ برابر شد اما همچنان در بازار کمیاب است.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران با اشاره به عرضه محدود روغن خوراکی در بازار، گفت: با توجه به اینکه حجم سفارش روغن بسیار بالاست، شرکت های توزیع کننده به نوعی روغن خوراکی را در بازار توزیع می کنند که این محصول به دست تمام واحدها برسد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، یک ماه از کمبود روغن در بازار می گذرد. قفسه روغن فروشگاه ها و مغازه ها در حالی خالی بود که قرار شد با افزایش قیمت روغن و اعلام رسمی آن، توزیع گسترده

ابهام در روش دوم طرح کالا برگ



با گذشت حدود یک ماه از آغاز اجرای طرح کالا برگ الکترونیکی و اعلام شیوه دوم دریافت بارانه کالایی از ۲۸ دی ماه، مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنسا از برخی فروشگاه های بزرگ زنجیره ای نشان می دهد که ابهاماتی جدی در باره نحوه اجرای این شیوه وجود دارد؛ ابهاماتی که نه تنها برای مردم، بلکه حتی برای مسئولان فروشگاه ها نیز بی پاسخ مانده است.

به گزارش ایسنا، دولت طی یک ماه گذشته و در راستای حذف رانت و کاهش آسیب های اقتصادی ناشی از بهیخص ارز ترجیحی، تصمیم گرفت بارانه کالاهای اساسی را به جای ابتدای زنجیره، در قالب کالا برگ الکترونیکی به مصرف کننده نهایی اختصاص دهد. در گام نخست این طرح، مقرر شد به ازای هر یک از اعضای خانوار، مبلغ یک میلیون تومان به حساب سرپرست خانوار واریز شود تا صرف خرید ۱۱ قلم کالای اساسی شود.

با این حال، حدود دو هفته پس از آغاز اجرای طرح، دولت از اعلام شیوه دوم دریافت بارانه کالایی خبر داد؛ شیوه ای که بر اساس آن، خانوارهایی که از دریافت بارانه نقدی صرف نظر می کنند، می توانند ۹ قلم کالای اساسی را به مدت سه ماه با قیمت ثابت دریافت کنند. بر اساس اعلام رسمی، دولت متعهد شده است مابه التفاوت افزایش قیمت این کالاهای را تقبل کرده و مصرف کننده صرفاً مبلغ مشخص و ثابتی را برای هر قلم کالا پرداخت کند.

مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا از تعدادی فروشگاه بزرگ زنجیره ای در سطح شهر نشان می دهد که با وجود گذشت چند روز از اعلام رسمی شیوه دوم یعنی (یکشنبه ۲۸ دی ماه)، اجرای عملی آن با ابهام همراه است. برخی مسئولان فروشگاه ها در گفت وگو با ایسنا، عنوان می کنند که دستورالعمل مشخصی درباره نحوه اعمال کالا برگ در شیوه دوم، نوع کالاهای مشمول، میزان سهمیه و قیمت نهایی به آن ها ابلاغ نشده است.

یکی از مسئولان فروشگاهای می گوید: «فعالاً فقط همان

به همه تعلق می گیرد، اما نه در کارت هایمان اعتباری دیده به روزرسانی شده و نه جزئیاتی به ما اعلام شده است.» در حالی که پیش از این اعلام شده بود که بر اساس شیوه دوم، بسته ای از کالاهای که حدود ۷۵۰ کیلوگالری را فراهم می کند، مردم می توانند با پرداخت حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان بسته به نوع کالا (برنج ۱۶۰ هزار تومان و یا ۱۹۰ هزار تومان) آن بسته را دریافت کنند که این بسته در بهمن، اسفند و فروردین عرضه خواهد شد، با این شرط که مبلغ ریالی پرداختی مردم ثابت خواهد ماند.

کالاهای مشمول این بسته شامل ۹ قلم (مرغ ۱.۵ کیلوگرم، روغن ۸۱۰ گرم، تخم مرغ یک کیلوگرم، برنج یک کیلوگرم، قند و شکر ۵۰۰ گرم، ماکارونی ۷۰۰ گرم، شیر کم چرب بسته نایلونی ۹۰۰ گرم، پنیر یوآف ۴۰۰ گرمی، ماست کم چرب ۹۰۰ گرمی) است که افراد می توانند بسته به نوع کالا با پرداخت ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان این اقلام را از فروشگاه دریافت کنند.

این اختلاف قیمت هم بستگی به نوع برنج و یا مرغ منجمد و یا گنشتار روز دارد. قیمت دقیق باید توسط فروشنده به خریدار اطلاع داده شود.

فروش گران تری برخی اقلام نسبت به بازار آزاد

در کنار ابهام در اجرا، برخی مشاهدات میدانی حاکی از آن است که برخی اقلام اساسی از جمله تخم مرغ، گوشت و برنج در بعضی فروشگاه های بزرگ با قیمتی بالاتر از نرخ عرضه شده در فروشگاه های خرد و واحدهای خارج از شبکه های زنجیره ای به فروش می رسند؛ موضوعی که با هدف اعلام شده طرح، یعنی تثبیت قیمت ها و حمایت از مصرف کننده، در تناقض به نظر می رسد.

کلاه مردم: کالابری که به کارت ها نرسیده است

در این میان، بخشی از مراجعه کنندگان به فروشگاه ها نیز از عدم تخصیص کالا برگ کلاه بردارند. برخی شهروندان به خبرنگار ایسنا می گویند: «با وجود اینکه اعلام شد کالا برگ

دو شرکت بزرگ صادر کننده چطور در عرضه ارز تعلق کردند؟

مستندات صورت های مالی نشان می دهد که در پایان شهریور ۱۴۰۴، شرکت ملی صنایع مس ایران ۳۰۳ میلیون یورو و شرکت فولاد مبارکه اصفهان در پایان سال گذشته، ۲۲۶ میلیون یورو از درآمدهای ارزی خود را تعیین تکلیف نکرده اند.

به گزارش اقتصاد معاصر، یکی از الزامات کنترل نرخ ارز تقویت جانب عرضه در اقتصاد است. به همین منظور همه صادرکنندگان موظف به رفع تعهد ارزی هستند. صادرکنندگانی که بخشی نیازهای تولیدی خود را با واردات تأمین می کنند، می توانند از درآمد حاصل از صادرات خود استفاده کنند.

در صورتی که صادرکننده تسهیلات ارزی دریافت کرده باشد، می تواند برای بازپرداخت تسهیلات خود از منابع ارزی استفاده کند، صادرکننده، مازاد بر نیاز ارزی خود را باید از مسیر بازار رسمی به فروش برساند. بر اساس مقررات بانک مرکزی، یک صادرکننده حداکثر ۴ ماه پس از صدور کالا، باید از خود را از مسیر مرکز مبادله ارز و طلا به فروش برساند و در غیر این صورت تعهدات ارزی صادرکننده ایفا نشده است. واکاوی صورت های مالی دو شرکت صادرکننده داخلی اما چیز دیگری می گوید. وضعیت ارزی گروه شرکت ملی صنایع مس ایران در پایان شهریور ۱۴۰۴ نشان می دهد این شرکت در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۴ رقمی بالغ بر ۴۹۰ میلیون و ۱۴۰ هزار و ۹۲۶ یورو صادرات داشته است و در این مدت ۹۳ میلیون و ۹۸۹ هزار و ۲۷۷ یورو را صرف واردات ماشین آلات و تجهیزات کرده و ۴ میلیون و ۵۶۵ هزار و ۱۰۴ یورو را به بازپرداخت تسهیلات ارزی اختصاص داده است و علاوه بر این ۸۸ میلیون یورو را در مرکز مبادله ارز و طلا عرضه کرده است.

گروه شرکت ملی صنایع مس ایران تا پایان مهر بهرورماه ۳۰۲ میلیون و ۴۹۵ هزار و ۵۵۲ یورو درآمد ارزی داشته که آن را نه به فروش رسانده و نه برای تأمین نیازهای ارزی خود استفاده کرده است. این مبلغ باقی مانده معادل ۶۷ درصد از کل درآمدهای ارزی این شرکت در دوره بررسی شده است.

در اینجا مشخص نیست چگونه وقتی از ۴۰۰ میلیون یورو درآمد ارزی یک شرکت، ۳۰۳ میلیون یورو آن در چرخه واردات و در برابر صادرات قرار نگرفته، بابت بازپرداخت تسهیلات ارزی استفاده نشده و به فروش نرسیده، می تواند نسبت رفع تعهد ارزی این شرکت به در سامانه بانک مرکزی ۹۲.۴ درصد می باشد.»

شرکت بررسی شده دیگر در این گزارش، فولاد مبارکه اصفهان است. بر اساس صورت مالی پایان سال ۱۴۰۳ این شرکت، مجموع درآمد ارزی گروه فولاد مبارکه ۴ میلیون و ۱۸۱ هزار دلار، ۲۴۶ میلیون و ۵۹۱ هزار یورو یک میلیارد و ۸۹۰ میلیون و ۳۰۰ هزار و ۴۰۰ یورو بوده است؛ اما این شرکت در پایان دوره ۱۴ میلیون و ۵۵۷ هزار دلار، ۶۰ میلیون و ۴۹ هزار یورو و ۶۶۱ میلیون و ۹۱۲ هزار دلار از منابع ارزی خود که حاصل از صادرات بوده است را نه صرف واردات و در برابر صادرات کرده، نه بابت تسهیلات ارزی مصرف کرده و نه به فروش رسانده است.



ریل ایران –افغانستان؛ بازطراحی چینی اقتصاد منطقه

افغانستان در یک چرخش راهبردی، مسیر تجارت خود را از پاکستان به سمت ایران وشبکه‌های ریلی اوراسیایی تغییر داده است. از بسته شدن مرزها و تشدید تنش‌های مرزی گرفته تا ورود موز ایرانی به بازار کابل، همه نشانه‌های این تغییر جهت اقتصادی و تلاش برای پیوستن به بلوک اقتصادی چین و روسیه را نشان می دهد.

در یک چرخش راهبردی عمیق، افغانستان در حال بازتعریف مسیرهای تجاری خود وفاصله گرفتن از پاکستان است؛ تحولی که هم‌زمان با تشدید تنش‌های مرزی، بسته شدن گذرگاه‌ها و تلاش کابل برای پیوند خوردن به شبکه نوظهور تجارت اوراسیایی به رهبری چین و روسیه رخ می دهد. نشانه‌های این تغییر حتی در بازارهای روزمره کابل هم دیده می شود؛ جایی که موز ایرانی به تازگی جایگزین واردات سنتی از پاکستان شده و تصویری نمادین از تغییر جهت تجارت افغانستان به نمایش گذاشته است.

این تحول در بی تشدید سریع تنش‌ها میان کابل و اسلام‌آباد رخ داده است. پس از آنکه جنگنده‌های پاکستانی اهدافی که به ادعای اسلام‌آباد محل اختفای نیروهای مسلح مخالف پاکستان بوده رادر خاک افغانستان بمباران کردند، دولت افغانستان روابط تجاری را قطع و گذرگاه‌های مرزی را بست. مرز افغانستان و پاکستان از اکتبر ۲۰۲۵ تاکنون بسته مانده و همین موضوع کابل را به سمت گزینه‌های جایگزین سوق داده است.

در چنین شرایطی، افغانستان به طور فزآینده‌ای نگاه خود را به سوی ایران و کریدورهای اوراسیایی دوخته و تلاش می کند آینده اقتصادی خود را با بلوک نوظهور منطقه‌ای همسود کند؛ بلوکی که چین و روسیه در قلب آن قرار دارند. هم‌زمان با بررسی کابل برای قطع کامل روابط اقتصادی با پاکستان، راه‌آهن افغانستان–ایران نقش مهمی در ترانزیت کالا و تأمین نیازهای اساسی پیدا کرده است.

ریل‌های جدید برای اقتصاد افغانستان

افغانستان در ماه‌های اخیر چند توافق ریلی با کشورهای همسایه امضا کرده است تا از کشوری محصور در خشکی و گرفتار بحران، به یک گره محوری در تجارت منطقه‌ای تبدیل شود. محور این راهبرد، پروژه راه‌آهن «خواف–هرات» به طول ۲۲۵ کیلومتر است که شهر خواف در شرق ایران به هرات در غرب افغانستان وصل می کند.

یک مقام ارشد اداره راه‌آهن افغانستان اعلام کرده است که دو کشور به‌طور اصولی برای پیشبرد این مسیر به توافق رسیده‌اند و اجرای آن در حال انجام است. این پروژه بخشی از تلاش گسترده‌تر کابل برای دور زدن گلوگاه‌های تجاری پاکستان و ایجاد پیوند مستقیم میان ایران، افغانستان، چین و آسیای مرکزی به شمار می رود؛ مسیری که در مراحل بعدی می تواند به هند نیز منتهی شود.

این خط ریلی با ابتکار «کریدور ریلی پنج کشور» هم‌نیپوشانی دارد؛ طرحی اوراسیایی که ایران، افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان و چین را به هم متصل می کند. مویوبی صاحب‌چانان، وزیر تجارت افغانستان، با اشاره به مشاهده موز ایرانی در بازار کابل گفت: «صبح امروز تا حدی شگفت‌زده شدم وقتی موز را در بازار کابل دیدم. پس از پرس و جو متوجه شدم که از ایران وارد شده است.» وی تأکید کرد کابل همچنان به تجارت با کشورهای همسایه دوست» متعهد است و این پیوند‌ها را در شرایط بسته بودن مرز با پاکستان، حیاتی می داند.

تقاطع منافع ایران، روسیه و چین

گسترش شبکه‌های ریلی در افغانستان فقط یک پروژه اقتصادی نیست، بلکه بخشی از شکل‌گیری نظم جدیدی از پیوندهای چندقطبی در منطقه به شمار می رود. روسیه که تحت فشار تحریم‌های غربی قرار دارد، این مسیرها را شریان‌های حیاتی اقتصاد آیند خود می داند و پروژه خواف–هرات» رادر چارچوب طرح بزرگ‌تر «راه‌آهن سراسری افغانستان» تعریف کرده است. الکسی اوپوکو، معاون نخست‌وزیر روسیه و اوخاردسامبر ۲۰۲۵ اعلام کرد که کارشناسی روسی به طور فعال در حال بررسی مسیرهای احتمالی عبور راه‌آهن از افغانستان هستند؛ اقدامی که هدف آن دستیابی به بازارها و بنادر جنوبی و دوزرنن مسیرهای دریایی تحت کنترل غرب است. از نگاه مسکو، این کریدورها ابزاری کلیدی برای تقویت پیوند با «جنوب جهانی» و کاهش اثر تحریم‌ها به شمار می روند.

محمد امیر رانا، تحلیلگر امنیتی مستقر در اسلام‌آباد و رئیس «موسسه مطالعات صلح باکستان»، نیز گفته است این پروژه در اصل به دوران دولت اشرف غنی بازمی گردد اما اکنون اراده این‌ها برای تکمیل آن شکل گرفته است. به گفته وی، این طرح از ابتدا منافع هند و آسیای مرکزی را نیز در نظر داشته، زیرا اتصال بازارهای اوراسیایی، چینی و هندی چشم‌انداز راهبردی گسترده‌تری ایجاد می کند. رانا افزوده است ناامنی در برخی مناطق سبب شده مسیرهای امن‌تر از طریق ایران برای دسترسی به هند و چین در اولویت قرار گیرد. اوایل همین ماه جاریملی ذاکری، رئیس راه‌آهن ایران در کابل با ملا عبدالغنی برادر، معاون نخست‌وزیر حکومت طالبان، دیدار کرد و دو طرف بر تسریع اجرای این کریدور تأکید کردند؛ اقدامی که همسوا با هدف تهرای ایران پیوند دادن اقتصاد منطقه از ایران تا چین است.

به گفته رانا، شرایط ژئوپلیتیکی منطقه نیز باعث توقف برخی از این پروژه‌ها شده و در مقاطعی به تقویت آن‌ها منجر شده است. وی معتقد است هرگاه یک مسیر پایدار ایجاد شود و منافع اقتصادی ملموس تولید کند، دیگر ابتکارها نیز به تدریج پرمیور آن‌ها شکل خواهند گرفت.

در سوی مقابل، باکستان با پیامد‌های تصمیمات خود روبه‌رو شده است. از اکتبر ۲۰۲۵، اسلام‌آباد سعی کند گذرگاه‌های اصلی با افغانستان را بسته و طالبان را به پناه دادن به نیروهای مسلح ضد پاکستانی متهم کرده است. در پی افزایش درگیری‌های مرزی و حملات هوایی پاکستان در خاک افغانستان، کابل بخش عمده روابط تجاری را قطع و بازارگانان خود را به تغییر مسیر به سوی ایران، هند و آسیای مرکزی تشویق کرده است.

هم‌زمان، هند نیز سطح حضور دیپلماتیک خود در کابل را ارتقا داده و نمایندگی

فنی اش را به سفارت کامل تبدیل کرده است؛ اقدامی که هم‌زمان با واکامت توصیه‌نموسمیرهای خود را از پاکستان جدا کنند. ملأ برادر به بازارگانان سه ماه مهلت داده تا حساب‌های معوق را تسویه کنند؛ پیامی روشن مبنی بر اینکه افغانستان دیگر استفاده سیاسی از مرزها را تحمل نخواهد کرد.

■ **شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۴** ■ **۴ شعبان ۱۴۴۷** ■ **۲۴ January ۲۰۲۶** ■ **سال دوم** ■ **شماره ۳۲۱**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**



مسکن فراموش شده کارگران

گزارش

انبراه‌های حمایتی پیش‌بینی شده در قانون کار، از تعاونی‌های مسکن تا خانه‌های سازمانی، عملاً از کار افتاده‌اند. نتیجه این روند، تبدیل مسکن از یک حق قانونی به بحرانی فراگیر برای جامعه کارگری است؛ بحرانی که بیش از آنکه ناشی از خلأ قانون باشد، ریشه در ضعف اجرا وعقب‌نشینی دولت و کارفرمایان دارد.

به گزارش ایلنا، مسکن در سال‌های اخیر به پرهزینه‌ترین بخش سبد معیشت کارگران تبدیل شده و فشار آن، عملاً سایر نیازهای اساسی آثار ایران، در سال گذشته سهم هزینه مسکن از مخارج خانوارهای شش‌ه‌ری به‌طور میانگین بیش از ۴۰ درصد بوده است؛ این رقم در دهک‌های پایین درآمدی و در کلان‌شهرها به مراتب بالاتر می رود و به گفته کارشناسان بخش قابل توجهی از کارگران، ناچارند بیش از نیمی از درآمد ماهانه خود را صرف اجاره‌بها کنند.

هم‌زمان، بسیاری از شاغلان مزدبگیر کشور فاقد مسکن ملکی هستند و بازار اجاره، به تنها گزینه پیش‌روی آن‌ها تبدیل شده است. رشد مداوم قیمت زمین و اجاره، کاهش قدرت خرید دستمزدها و نبود سیاست‌های پایدار حمایتی، باعث شده است که مسکن از یک نیاز قابل تأمین، به یک بحران ساختاری برای جامعه کارگری بدل شود. در چنین شرایطی، ابزارهایی که در گذشته برای کنترل این بحران طراحی شده بودند، از جمله تعاونی‌های مسکن کارگری و خانه‌های سازمانی، یا کارکرد خود را از دست داده‌اند یا عملاً از چرخه سیاست‌گذاری خارج شده‌اند. این در حالی است که تجربه‌های تاریخی نشان می دهد هر دو مدل، در مقاطعی توانسته‌اند بخشی از فشار مسکن بر نیروی کار را کاهش دهند؛ اما امروز جای آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان مسکن، به‌تأماماً خالی است یا کاربردی لازم ندارند.

تعاونی‌های مسکن: از ایزه جمعی تا بن‌بست‌هایی در اجرا

تعاونی‌های مسکن کارگری به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای تأمین مسکن مزدبگیران، سابقه‌ای چند دهه‌ای در ایران دارند. شکل‌گیری این تعاونی‌ها به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد و پس از انقلاب نیز با تأکید قانون اساسی و قانون کار، به‌ویژه در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، توسعه یافتند. هدف اصلی این تعاونی‌ها، تجمع سرمایه‌های خرد کارگران و حذف واسطه‌ها در فرآیند ساخت مسکن است.

با این حال، تجربه عملی نشان داده که تعاونی‌های مسکن، به‌ویژه از دهه ۱۳۸۰ به بعد، با کاهش‌های جدی مواجه شده‌اند. کمبود نقدینگی و کاهش حمایت‌های دولتی، افزایش فساد و تخلفات مدیریتی، و ساخت‌وسازهای غیرکارشناسی، طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها و

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹**

■ **کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸** ■ **آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶**